

آوای مهر

ألف:

جليل كريم زاهي تبريزي



تبریز - ۹۴

- سرشناسه : کریم زاده، تبریزی، جلیل، ۱۳۶۲ -
- عنوان و نام پدیدآور : آوازه مهدتین، جلیل کریم زاده‌ی تبریزی.
- مشخصات نشر : تبریز: درویش، ۱۳۹۴.
- مشخصات ظاهری : ۱۷۸ ص.
- شابک : 9 8-600-7262-56-6
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴
- رده بندی کنگره : PIR۸۳۵۸ / ۸۵۲۲۹ ۱۳۹۴
- رده بندی دیویی : ۸۶۱ / ۶۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۱۲۳۳۱



آوای مهر

جلیل کریم زاده‌ی تبریزی

مشارت درویش

تبریز - چاپ ۵۰ بهشتی (منصور) - مجتمع خدماتی اطلس

ط زیران - پلاک ۲

تلفن: ۳۵۵۰۰۰۰ - ۶۷۷۷ ۴۶۶ - ۰۹۱۴

np_nashr@yahoo.com

www.np-nashr.com

تایپ، طراحی و صفحه‌آرایی : فرش

نوبت چاپ : ۳۹۲

اندازه و تعداد صفحه : رقی ۱۸

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی : اعظم - امین

شابک: ۶-۵۶-۷۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸ - ۶-۵۶-۷۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸
ISBN: ۶-۵۶-۷۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الذي بعث محمداً نبياً ومعلماً لتزكية النفوس
المستعدة وقبلاً للكباب والحكمة على أهله وجعل ابن عمه علي بن ابي طالب
عليهما السلام وصياً ووزيراً وزوجه ابنته فاطمة الزهراء
سيدة نساء العالمين وخلق من بطنها الطاهرة الأئمة الذين
يهدون بأمره إليه بعد أن يراد منهم الرجس وبطهرهم تطهير
صلوات الله عليهم أجمعين.

و اما بعد، چنین گوید، بنده‌ی حقیر فقیر حلیل کریمزاده‌ی تبریزی، که
آنچه که در این وجیزه به رشته‌ی نظم درآمده است، و از جمله آثار این اندک،
بر جان بی جان صفحات کاغذ نقش بسته، چیزی نیست جز تار و پود قلبی
این کمترین و ناچیز

بنده‌ی حقیر، هرگز و هرگز قصد انجام چنین جسارتی را نداشت که
نوشته‌های سرشار از عیب و نقص خود را به طبع برساند، چرا که چنین
قابلیتی در آنها مشاهده نمی‌شد، کما یکن!

مگر اینکه، امری از ناحیه‌ی اساتید گرانقدر و بزرگوار و قدر، حجج الاسلام آقایان شیخ محمد نیکام عرشاهی و شیخ حسن عباسزاده‌ی اهری، ادام الله تعالی عزهما، صادر گردید، مبنی بر این که این نوشته‌های منظوم، منطبع گشته و در مقابل دیدگان متور عزیزان اساتید و صاحب نظران و اهل فن قرار گیرد، و ماهر امتثال امر نمودیر باشد که با انتقاد و راه حائضای سازنده و بی بدیل ایشان و دیگر عزیزان، بیش از پیش پی به ضعف و ذوقی خفایش بریر و افسار قوسن سرکش نفس را به پنجه‌ی قدر تمندند، حجت رستا گرفته و رانماتیر، إن شاء الله تعالی!

در باره‌ی سروده و نغز است، که مطامش چنین است: «به بسم الله الرحمن و الرحیم است، لازم به ذکر است که حقیر، چون به محضر مبارک حضرت استاد، جناب حجة الاسلام شیخ محمد نیکام عرشاهی شرف حضور یافت، و جسارت کرده و ابیاتی چند از سروده‌ی مذکور را در خدمت ایشان، قرائت نمودم، در همان مطلع، آنجناب، غیب را مع فرمودند که این سروده‌ی شما، دقیقاً بر اساس و روش سروده‌های من است. حضرت استاد، علامه‌ی ذوالفقون، صاحب نفس زکیه و مطمئن، عین الغیب و لسان الغیب، خاتم العرفاء، شیخ کبیر آية الله الحسنى، حسن حسن زاده‌ی طبری آملی، روحی له لفداء، می باشد که در کتاب شریف «دفتر دل» مرقوم

فرموده‌اند. و چون این حقیر، به امر ایشان «دفتر دل» آن حضرت را گشود، همان را مواجه شد که فرموده بودند و بدان اشارت رفته بود.

و اما این حقیر، هرگز آن اثر کرانقدر و معظم شیخ کبیر - سلامه الله تعالی - را زیارت ننموده بود و نمی شناخت مگر به اسم، و این دیده‌گان خاطی و عصبیان گریه توفیق و لیاقت سیر بر سرزمین عرشی و نامتناهی سر به فلک کشیده، سطور منظوم و منور و کلمات الهیهی نوشته‌های ایشان را کسب نکرده بود. چنانکه هنوز هم از آن چون، حضرت استاد، جوایز حال این بنده‌ی خاطی گردید: که آناتال، «دفتر دل» آن ذات مطهر را دیده‌ام یا نه، با جواب منفی این غبار، مواجه شد. بدو انجانب، فقط یک بار و یک بار، از لسان مبارک یکی از دوستان صاحب منزل، از آن شهرستان ساری به سال ۱۳۸۹ شمسی، بصورتی کاملاً گذر، این مطلع را شنیدم که فرمود: فلانی! این بیت را شنیده‌ای از حضرت شیخ حسن زاده آملی - روحی له الفداء - که فرماید: «به بسم الله الرحمن الرحیم است»؟

همین و دیگر هیچ! غرض این که بنده، فقط همین را می‌داند و من، بلکه هیچ نمی‌داند و خود به دانستن زده است. اما آن سروده‌های دیگری که با همان مطلع آغازیده‌ام، بصورت تعمیدی بوده است...

به هر روی، آنچه که بر تن سپید و بیا آیش این اوراق نقش بسته است،
غیر از تراوشات قلبی و ذهنی حقیر نیست و لذا خالی از خطا نخواهد بود و
البته، اصل مسئله مسأله‌ای برای عزیزان اهل فن و مطلب، أظهر
من الشمس است کما یرون!

ما: کسو، تقلید ننموده‌ایم بدین معنی که روشت از سروده‌ی هیچ عزیزی
کردیم، چه لفظاً چه معنا و مفهوماً! حتی قصه‌ی این حقیر این نبوده است
که بنده صورتی که هست، این نوشته‌ها را تنظیم بنمایم و اما سر نوشت و
روال و سبک و آرا بدینجا کشانید، و امید است که با انتقادات و
پیشنهادهای سازنده‌ی عزیزان، اساتید و صاحب نظران گرانقدر مواجه
گردیده و موفق به اصلاح گردیم مطلقاً!

و البته، بدون شک، حال این غزل را می‌توان با تکیه بر آیه‌ی شریفه که
فرماید: «يُعْرِفُ الْمَجْرُمُونَ بِسَيِّئِهِمْ كُلًّا» دریافت و این آیه، با نظری بر
حالی بی‌حالی خود بخود و پیرستش، در سروده‌ای چنین گفته است که:

هان که ما را نیست در کف جز گه	غافلیم ای دل از آن خورشید و مه
پای در کفش بزرگان کرده‌ایم	ورنه خار و خشکیر و گرده‌ایم...

مهر اول / ۹

و این موجود، هر زمان که بر آئینه‌ی زنگار گرفته‌ی وجود خویش می‌نگرد، این
مصرع جناب خواجه حافظ شیرازی رضوان الله تعالی علیه را متجلی و منطبق بر
احوال خود می‌بیند که فرماید:

محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد بیرد...^۱

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

جلیل کرمزاده‌ی تبریزی

سه شنبه، ۱۲ شعبان ۱۴۳۵ ساعت ۰۲ بامداد.